



Designing a Model for Community-Based Disaster Management Using Meta-Synthesis Approach

Asma Salehi Nodez

MA Student, Public Administration & IT Department, Faculty of Management & Economics, University of Sistan & Baluchestan, Zahedan, Iran.

Noormohammad Yaghoubi

Professor, Public Administration & IT Department, Faculty of Management and Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

Alemeh Keikha*

Assistant Professor, Entrepreneurship Management Department, Faculty of Management & Economics, University of Sistan & Baluchestan, Zahedan, Iran.

Received: 24/07/2021

Accepted: 29/12/2021

Abstract:

The crisis management process in Iran has had many fluctuations. One of the challenges in this regard is to achieve an effective crisis management system and its successful implementation. A review on the experience of dealing with natural disasters in Iran shows that different governments have focused their efforts on coping and reconstruction in the crisis management cycle, while social participation to reduce crises in the form of community-based crisis management is a new and growing approaches that can control or minimize the damages caused by unforeseen events. Therefore, this study was conducted aiming at identifying the dimensions, components and indicators of community-based crisis management with a meta-synthesis approach. The research is applied in terms of purpose and is considered a in terms of the nature of the data and the method is a qualitative research using a meta-synthesis approach that explores new issues and metaphors by combining different literatures. Therefore, the data obtained from the systematic review of related studies in the last two decades in crisis management with a community-based approach, totally 106 sources, were selected for analysis and the research conceptual framework was designed with 3 dimensions, 11 components, and 54 indicators. The final indices were prioritized using Shannon Entropy Method. The results showed the indices of the role of people, participation of NGOs, public education, empathy, cooperation and intimacy, mass media in education, reflection of real needs of the people by the mass media during the crisis, employment of the local people in the reconstruction process, the role of mass media after the crisis, raising public awareness, encouraging people participation, honesty and transparency of the media, commitment, and social network are the most important factors respectively. Therefore, developing a spirit of cooperation and motivating participation among the people is one of the best ways to reduce vulnerability to natural disasters.

Keywords: Crisis Management, Community-Based, Meta-Synthesis Approach.

Corresponding Author, Email: aleme.keikha@entp.usb.ac.ir

Original Article

DOI: 10.22034/jipas.2022.296577.1210

Print ISSN: 2676-6256

Online ISSN: 2676-606X

طراحی الگوی مدیریت بحران اجتماع محور با استفاده از رویکرد فراترکیب

اسما صالحی نودز

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، گروه مدیریت دولتی و کارآفرینی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

نورمحمد یعقوبی

استاد، گروه مدیریت دولتی و کارآفرینی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

عالمه کیخا*

استادیار، گروه مدیریت کارآفرینی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۲

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۸



چکیده: فراگرد مدیریت بحران در ایران دارای نوسان‌های بسیاری بوده است و یکی از چالش‌های موجود در این زمینه دستیابی به یک نظام مدیریت بحران اثربخش و اجرای موفق آن است. بررسی نحوه مواجهه با بلاهای طبیعی در ایران، حاکی از آن است که دولت‌های متفاوت همت خود را بر مقابله و بازسازی در چرخه مدیریت بحران متمرکز کرده‌اند در حالی که مشارکت اجتماعی برای کاهش بحران‌ها در قالب مدیریت بحران اجتماع محور یکی از رویکردهای نوین و رو به رشد است که آسیب پذیری مردم در برابر بلاها را به حداقل می‌رساند. از این رو، پژوهش حاضر با هدف شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریت بحران اجتماع محور با رویکرد فراترکیب انجام شد. پژوهش از نظر هدف کاربردی و به لحاظ ماهیت داده‌ها و روش اجرا پژوهشی کیفی با رویکرد فراترکیب است که از طریق تلفیق پژوهش‌های کیفی مختلف، کشف موضوع‌ها و استعاره‌های نوین را بررسی می‌کند. بنابراین، داده‌های حاصل از مرور نظام‌مند مطالعات و پژوهش‌های مرتبط دو دهه اخیر (۱۰۶ منبع)، در حوزه مدیریت بحران با رویکرد اجتماع محوری برای تحلیل انتخاب شدند و چارچوب مفهومی پژوهش با ۳ بعد، ۱۱ مؤلفه و ۵۴ شاخص طراحی شد و شاخص‌های احصا شده با استفاده از روش آنتروپی شانون اولویت‌بندی شدند. نتایج پژوهش نشان داد شاخص‌های اهمیت نقش مردم، مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد، آموزش عمومی، همدلی، همکاری و صمیمیت، رسانه جمعی در آموزش، انعکاس نیازهای واقعی مردم از سوی رسانه جمعی حین بحران، به کارگیری مردم بومی در فرایند بازسازی، نقش پیگیری رسانه‌های جمعی بعد از بحران، ارتقای آگاهی‌های مردمی، ترغیب مردم به مشارکت، صداقت و شفافیت رسانه‌ها، تعهد و شبکه اجتماعی به ترتیب دارای بیشترین ضریب اهمیت هستند. بنابراین توسعه روحیه همکاری و ایجاد انگیزه مشارکت در بین مردم یکی از راه‌های روشن برای کاهش آسیب‌پذیری ناشی از بلاهای طبیعی به حساب می‌آید.

واژگان کلیدی: مدیریت بحران، اجتماع محور، فراترکیب.

* نویسنده مسئول: aleme.keikha@entp.usb.ac.ir

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: 10.22034/jipas.2022.296577.1210

شاپا چاپی: ۲۶۷۶-۶۲۵۶

شاپا الکترونیک: ۲۶۷۶-۶۰۶X

مقدمه

بلاها و مخاطره‌های محیطی از دیرباز به‌عنوان مخرب‌ترین عوامل آسیب‌رسان به انسان، جامعه و محیط زیست مطرح بوده‌اند. پژوهش و بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهند که بحران‌ها به‌طور ذاتی تعیین‌کننده میزان خسارت نیستند، بلکه پاسخ مسئولان به بحران است که میزان خسارت‌های وارده را تعیین می‌کند. با توجه به اینکه یکی از شاخص‌های مهم توسعه کشورها میزان آمادگی جامعه آن‌ها در برابر انواع مختلف بلاهای طبیعی است در اکثر کشورهای دنیا در برنامه توسعه توجه کمتری به شرایط اضطراری و بحران‌ها می‌شود (Keikha et al, 2019). از این‌رو مدیریت بحران^۱ مطلوب، برای کاهش آسیب‌های ناشی از حوادث طبیعی همچنان چالشی جهانی است و برنامه‌ریزی به‌منظور کاهش خطر بلاهای طبیعی و افزایش توانایی پاسخگویی جوامع به فجایع از مهم‌ترین اهداف مدیریت بحران است (Unisdr, 2009). هتو^۲ و همکاران (۲۰۱۸) معتقدند مدیریت بحران ضعیف و عدم آمادگی جامعه با توجه به ماهیت پیش‌بینی-ناپذیری و مبهم بودن بلاهای طبیعی می‌تواند آثار مخرب اقتصادی، اجتماعی، محیطی و زیرساختی فراوانی داشته باشد (Hetu et al., 2018). بنابراین، با توانمندسازی شهروندان و ارتقای سطح مشارکت آن‌ها می‌توان آسیب‌های ناشی از بلاهای طبیعی را تا حد امکان کاهش داد (Ali et al., 2019) زیرا درجه آسیب‌پذیری و توانمندی مردم جامعه است که یک حادثه را تبدیل به بحران می‌کند (Cornia et al., 2016). از این‌رو مدیریت بحران اجتماع‌محور^۳ یکی از راه‌کارهای مؤثر در این باره است که مبتنی بر رویکرد پایین به بالا، مشارکت، توانمندسازی و درگیر کردن نیروهای محلی و بومی در تمامی فرایندهای بحران است (falk, 2013). مرور کلی مبانی نظری در حوزه مدیریت بحران در دو دهه گذشته، نشان‌دهنده سه دسته مطالعه در این باره است: مطالعه‌هایی که به مرحله قبل از بحران و فرهنگ‌سازی‌های لازم برای کاهش آسیب-پذیری جوامع توجه داشته‌اند از جمله مطالعه‌های آرنولد^۴ و همکاران (۲۰۱۸)، مارسکوله^۵ و همکاران (۲۰۱۸)، حسینی^۶ و همکاران (۲۰۱۷)، روی^۷ و همکاران (۲۰۱۶) و مطالعه‌هایی که به

1. Crisis management
2. Hetu
3. Community-based crisis management
4. Arnold
5. Marscule
6. Hosseini
7. Roy

مرحله حین بحران توجه داشته‌اند از جمله پژوهش‌های براسی^۱ (۲۰۲۰)، جانسون^۲ و همکاران (۲۰۱۸)، کاو کیتپینگ^۳ و همکاران (۲۰۱۶)، مهدیه (۱۳۹۹) و عموزادخلیلی و همکاران (۱۳۹۷) و در نهایت مطالعه‌های اصلانی و همکاران (۱۳۹۹)، ریچاردلی^۴ و همکاران (۲۰۱۸)، گیانیسا و لی^۵ (۲۰۱۸) و فورس^۶ و همکاران (۲۰۱۷) که مربوط به مرحله پس از بحران است. بنابراین، مطالعه‌ای از ارائه رویکردی جامع مشاهده نشد که هر سه بعد را به‌صورت همزمان بررسی و باریک‌بینی کند. از این‌رو خلأ آن در حوزه پژوهش به شدت احساس می‌شود. همچنین مرور نظام‌مند مطالعه‌های گذشته نظیر پژوهش‌های آزاد^۷ و همکاران (۲۰۲۰)، ریچادالی و همکاران (۲۰۱۸)، اسلام^۸ و همکاران (۲۰۱۸)، حسینی^۹ و همکاران (۲۰۱۴)، آلن^{۱۰} (۲۰۰۶)، کریمی و تقی‌لو (۱۳۹۹)، موهیتی و همکاران (۱۳۹۹) و عاشوری و همکاران (۱۳۹۷) نشان از توجه به رویکرد نوینی مبنی بر توانمندسازی جوامع از طریق مشارکت مردم محلی در تمامی فرآیندهای بحران دارد. در واقع بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهند انواع رویکردها و الگوهای مدیریت بحران در کشورهای مختلف در یک تقسیم‌بندی کلی در قالب دو گروه سنتی و جامعه‌محور تقسیم می‌شوند. رویکرد سنتی بر مقابله و بازسازی تأکید دارد و هیچ جایگاهی برای اثربخش‌ترین گروه‌های موجود در مدیریت بحران یعنی اجتماعات محلی قائل نشده است. در این رویکرد برنامه‌ریزی، خط‌مشی‌گذاری، هماهنگی، کنترل و سازمان‌دهی در همه مراحل مدیریت بحران از سوی سازمان‌های دولتی انجام می‌شود و چنانچه نقشی برای اجتماعات محلی در نظر گرفته شود نقشی انفعالی و حاشیه‌ای خواهد بود (Traore et al., 2018). در رویکرد جامعه‌محور علاوه بر شناسایی خطرهای تهدیدکننده از سوی ساکنان اجتماعات محلی تلاش می‌شود افراد و گروه‌های فعال و تأثیرگذار جوامع به فعالیت و ایفای نقش در تمامی مراحل چرخه مدیریت بحران فراخوانده شوند و شرایط لازم به‌منظور افزایش ظرفیت‌های افراد و گروه‌های محلی برای مواجهه با بحران فراهم بیاید (Falk, 2013). با وجود اینکه جوامع توسعه‌یافته بر اهمیت توانمندسازی شهروندان و به‌کارگیری رویکرد جامعه‌محوری پی برده و اقدام‌های فراوانی را برای

1. Berasi
2. Johnson
3. Kawkitipong
4. Ricciardelli
5. Gianisa & Li
6. Foris
7. Azad
8. Eslam
9. Hosseini
10. Allen

کاهش آسیب‌پذیری به‌کار برده‌اند، اما شواهد حاکی از آن است که در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران همچنان رویکرد تمرکزگرا و دولت‌گرا مبنی بر پیاده‌سازی راهبردها از بالا به پایین، رویکرد غالب در برخورد با بلاها محسوب می‌شود که از اثربخشی کافی برخوردار نبوده و هزینه‌های زیادی را به دولت و جامعه تحمیل می‌کند (موهبتی و همکاران، ۱۳۹۹). نگاهی گذرا به حوادث و اتفاق‌های رخ داده در طی چند دهه اخیر در کشور، حاکی از آن است که کشور ما از حادثه‌خیزترین کشورهای جهان به حساب می‌آید و از مجموع ۴۰ نوع حادثه غیر مترقبه ۳۱ نوع آن در ایران رخ می‌دهد و از آسیب‌پذیرترین کشورهای جهان شناخته شده است (صالحی‌نودز و همکاران، ۱۴۰۰) و از نظر میزان خسارت ناشی از بلاهای طبیعی جزء ۶ کشور اول دنیا طبقه‌بندی می‌شود (عاشوری و همکاران، ۱۳۹۷). اختصاص داشتن حدود ۶ درصد از تلفات انسانی ناشی از وقوع بلاهای طبیعی جهان به ایران در مقایسه با سهم ۱ درصدی آن از جمعیت کره زمین اهمیت درس‌آموزی از تجربه‌های ناموفق داخلی و الگوبرداری مناسب از اقدام‌ها و تجربه‌های موفق و اثربخش داخلی و خارجی را گوش‌زد می‌کند (Guha & Ranganathan, 2004). همین امر لزوم توجه ویژه انواع ساختارهای دولتی کشور را به نحوه طراحی و پیاده‌سازی الگوهای مدیریت بحران (پورعزت و همکاران، ۱۳۹۲) و بهره‌گیری از نظامی جامع و منسجم مبتنی بر اجتماع‌محوری را بیش از پیش مشخص می‌کند که در آن به اقدام‌های لازم برای کاهش آسیب‌های ناشی از بلاها توجه می‌شود (پورموسوی و همکاران، ۱۳۹۲). از این‌رو، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریت بحران اجتماع‌محور با رویکرد فراترکیب کدام هستند؟ تا از طریق پاسخ به سؤال پژوهش‌الگویی جامع و متناسب با شرایط بومی کشور در راستای به‌کارگیری رویکرد اجتماع‌محور در فرآیند مدیریت بحران ارائه شود.

مبانی نظری و پیشینه تجربی

مدیریت بحران

واژه بحران بیش از پنج قرن پیش، مطرح شد و اولین ساختار رسمی مقابله با بحران در جهان به قرن هفدهم بر می‌گردد (Cole et al., 2013) و رویداد یا واقعه‌ای ناگهانی تلقی می‌شود که با آسیب‌های جانی، مالی و عدم تعادل گسترده و اختلال جدی (Girard et al., 2006) همراه بوده و نیازمند انجام اقدام‌های فوری است (Gibson & Gibbs, 2006). به‌طور کلی بحران را می‌توان وضعیتی غیر عادی و ناگهانی دانست که در نتیجه بروز حوادث طبیعی یا غیر طبیعی رخ

می‌دهد و باعث درهم‌ریختگی شدید زیست‌محیطی و روانی- اجتماعی بسیار فراتر از ظرفیت انطباقی جامعه می‌شود و بارزترین خصوصیت آن افزایش سریع مقیاس است (زربین، ۱۳۹۹). با توجه به اینکه پیش‌بینی یک بحران دشوار است از این رو اقدام‌های سریع و آگاهانه می‌تواند آثار مخرب آن را به شدت کاهش دهد (Gupta & Ranganathan, 2007). مدیریت بحران در برگرفته هر راهی برای پرهیز از بحران، جست‌وجوی اندیشمندانه، مهار و پایان بحران است (نوروزی و فرهادی، ۱۳۹۶) و اقدام‌های لازم برای آماده‌سازی، پاسخ‌گویی و کاهش آثار یک حادثه را شامل می‌شود (Hetu et al., 2018). به بیان دیگر مدیریت بحران دانشی کاربردی است که با مشاهده علمی و منظم سوانح یا تجزیه و تحلیل و بررسی آن‌ها در جستجوی یافتن ابزاری برای پیشگیری یا کاهش آثار سو آن‌ها است (نوروزی و فرهادی، ۱۳۹۶). در تعریفی ساده مدیریت بحران مجموع فعالیت‌هایی است که برای بازگشت به وضعیت عادی و به حداقل رساندن آثار بحران‌ها به روشی ایمن و مؤثر انجام می‌شود (Traore et al., 2018). فرانس (۲۰۱۲) فرآیند مدیریت بحران را به عنوان یک چرخه در نظر می‌گیرد و تأکید اصلی ایشان بر مرحله پیشگیری و کاهش خطر با ظرفیت‌سازی و نیز سرعت عمل مدیران در شروع مرحله ترمیم و بهبود اولیه است (France, 2012). فاستر^۲ (۲۰۰۷) انعطاف‌پذیری را براساس نگرش نوین مدیریت بحران لازمه مدیریت بحران در تمامی مراحل قبل، حین و پس از آن می‌داند و معتقد است مدیریت اثربخش و موفق بحران در گرو رعایت انعطاف‌پذیری در مراحل آن است (Foster, 2007). در مجموع مدیریت بحران دربرگیرنده چهار عنصر اساسی پیشگیری، آمادگی، واکنش و بازسازی است که این چهار رکن در رویکردی سه مرحله‌ای شامل قبل، حین و پس از بحران گنجانده می‌شوند (Coombs & Laufer, 2019) که هر مرحله تأثیر چشم‌گیری بر مرحله بعد دارد (Tokakis et al., 2019). در مرحله قبل از بحران، به انجام اقدام‌های مرتبط با پیشگیری و آمادگی توجه می‌شود در صورتی که در گذشته، مدیریت بحران بیشتر به جنبه‌های امداد و نجات و بازسازی پس از بحران مربوط می‌شد و سایر ابعاد آن از جمله پیشگیری و آمادگی نادیده گرفته می‌شدند (Unlu et al., 2010). مرحله بعد در فرآیند مدیریت بحران در برگرفته پاسخگویی و امداد رسانی است و هدف آن به حداقل رساندن میزان تلفات، صدمه‌های انسانی و تخریب تأسیسات و دارایی‌ها با برخی اقدام‌های فوری مانند اعلام خطر، تخلیه منطقه خطر، جستجو و انتقال قربانیان به مناطق امن است. مرحله سوم شامل اقدام‌های مرتبط با بهبودی و بازتوانی به منظور عادی‌سازی اوضاع بحرانی است و باید به بهسازی، بازسازی و

1. France
2. Foster

بازتوانی توجه شود (Tokakis et al., 2019). در سال‌های اخیر، شاهد تغییر و تحولات عمده‌ای در رویکردهای مدیریت بحران بوده‌ایم و نتیجه آن رویکرد اجتماع‌محوری است که مبتنی بر مشارکت مردمی در بحران‌های ناشی از بلاهای طبیعی است (رفیعیان و مطهری، ۱۳۹۱). چراکه نگرش سنتی به مدیریت بحران برای مقابله با بحران هیچ‌گونه آمادگی قبلی نداشته و در مقابل بحران‌ها از راهبردهای انفعالی و واکنشی استفاده کرده است (عرفانی و مرادی، ۱۳۹۵) و مخاطره‌ها را به‌عنوان دشمن کنترل‌ناپذیر بیرونی تلقی می‌کند به این معنی که مدیریت بحران در انتظار وقوع حادثه می‌نشیند و پس از بروز ویرانی سعی می‌کند آسیب‌های به‌وجود آمده را بازسازی کند (احمدی و منوچهری، ۱۳۹۹).

مدیریت بحران اجتماع‌محور

جامعه‌محوری به‌عنوان یک رهیافت در مدیریت بحران از اواسط قرن بیستم، از سوی سازمان‌های غیر دولتی درگیر در فعالیت‌های انسان‌دوستانه با استفاده از ابزار برآورد ظرفیت و آسیب‌پذیری به رسمیت شناخته شد. بر این اساس از سال ۱۹۹۵، کارگاه‌هایی در آسیا برگزار شد و این رهیافت ترویج و چارچوبی برای کاربرد آن در سطح محلی فراهم آورد (Ricciardelli et al., 2018). در واقع به‌دلیل تغییر و تکامل دیدگاه در سال‌های اخیر، نگاه دولت‌گرا و تمرکزگرا جای خود را به نگرش اجتماع‌محور برای جلب مشارکت‌های اجتماعی و مردمی داد (عوض‌پور و همکاران، ۱۳۹۶). بنابراین، رویکرد اجتماع‌محور جدیدترین رویکرد در مدیریت بحران شد که بر مشارکت مردم محلی در تمامی فرآیندهای مدیریت بحران برای حل بحران‌های ناشی از بلاهای طبیعی تأکید داشت (رفیعیان و مطهری، ۱۳۹۱). در تعریفی دیگر، رویکرد اجتماع‌محور به‌عنوان فرایندی شناخته شد که در آن جوامع و شهروندان به‌گونه‌ای توانمند می‌شوند که آسیب‌پذیری‌شان به حد چشم‌گیری کاهش پیدا کرده و ظرفیت‌شان در برابر حوادث غیر قابل پیش‌بینی ارتقاء پیدا می‌کند (Cannon, 2014). که این توانمندسازی می‌تواند قابلیت‌های افراد را در جامعه محلی برای انطباق با تهدیدها و مخاطرها افزایش دهد (پورعزت و همکاران، ۱۳۹۲) و آن‌ها را در تعیین نیازهای اساسی خود توانمندتر کند. البته بایستی به این مسأله هم توجه کرد که مشارکت محلی تنها در فرآیند مشورت گرفتن خلاصه نمی‌شود، بلکه شامل سایر مداخله‌ها نظیر جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل موقعیتی، تعیین اقدام‌ها و اجرای برآوردها را نیز می‌شود. به این ترتیب شهروندان جامعه آسیب‌دیده بازیگران اصلی فرآیند مدیریت بحران به‌حساب می‌آیند. چراکه آن‌ها حق دارند در تصمیماتی مشارکت داشته باشند که زندگی‌شان را به‌طور مستقیم تحت‌الشعاع قرار می‌دهد (سواری و اسکندری‌دامنه، ۱۳۹۸). همچنین در بسیاری از مواقع این

مردم محلی هستند که تا رسیدن نیروهای امداد به کمک آسیب‌دیدگان می‌شتابند (Perry, 2007). بنابراین، عناصر اساسی در مدیریت بحران اجتماع محور که از اهمیت فراوانی برخوردار هستند شامل مشارکت مردمی، اولویت‌بخشی به آسیب‌پذیرترین گروه‌های جامعه، ملاک‌های ویژه اجتماعات محلی برای کاهش مخاطرها، شناسایی توانمندی‌ها و ظرفیت‌های موجود در امر مدیریت بحران و کاهش آسیب‌پذیری از طریق ظرفیت‌سازی در جامعه می‌شود (Bundy et al., 2017). البته لازم به ذکر است اگرچه رویکرد مدیریت بحران اجتماع محور دارای نقاط قوت بسیاری است، اما این رویکرد نیز مانند سایر رویکردهای دستاورد بشری نقاط ضعف و نقایصی دارد که نادیده گرفتن آن‌ها منجر به عدم توفیق در دستیابی به اهداف مدنظر خواهد شد. که به اعتقاد آلن^۱ (۲۰۰۶) نبود منابع قدرت تصمیم‌گیری و عدم دسترسی به قدرت قانونی برای ذینفعان و نهادهایی که در مرکز ابتکارهای محلی قرار دارند، نامتجانس بودن و ناهمگن بودن اجتماعات محلی به دلیل وجود قومیت‌ها، فرهنگ‌ها و اعتقادات مختلف، تمایل اجتماعات محلی به حمایت از ذینفعان با نفوذ و در نتیجه کاهش توجه به نیازهای گروه‌های آسیب‌پذیر از مهم‌ترین نقاط ضعف مدیریت بحران اجتماع محور است (Allen, 2006). از دیدگاه تجربی، پژوهش‌های متعددی در رابطه با مدیریت بحران با رویکرد اجتماع محور انجام شده است و با توجه به اینکه بررسی همه پژوهش‌ها از حدود این مقاله خارج است بنابراین، تنها برخی از پژوهش‌های داخلی و خارجی در جدول شماره ۱ گزارش شده‌اند.

جدول ۱: پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با رویکرد مدیریت بحران اجتماع محور

نام پژوهشگر	عنوان پژوهش	یافته‌های پژوهش
موهبتی و همکاران (۱۳۹۹)	طراحی الگوی مرحله‌ای مدیریت بحران با رویکرد ظرفیت‌سازی جوامع محلی با استفاده از روش فراترکیب	شناسایی عوامل مؤثر در مدیریت بحران با رویکرد ظرفیت‌سازی جوامع محلی و دسته‌بندی آن‌ها در چهار دسته عوامل مرتبط با مرحله پیشگیری، عوامل مرتبط با مرحله آمادگی، عوامل مرتبط با مرحله مقابله با بحران و عوامل مرتبط با مرحله بازسازی و بازتوانی.
کریمی و تقی‌لو (۱۳۹۹)	مدیریت بحران اجتماع - محور راهی به سوی توسعه پایدار	رویکرد اجتماع محور، کاستی‌های رویکرد بالا به پایین را ندارد که در نشان دادن نیازهای محلی به دلیل غفلت از منابع بومی و ظرفیت‌ها شکست خورده است و به دنبال کاهش آسیب‌پذیری مردم، اصلاح برنامه‌ریزی و مدیریت بحران است.

1. Allen

ادامه جدول ۱: پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با رویکرد مدیریت بحران اجتماع محور

نام پژوهشگر	عنوان پژوهش	یافته‌های پژوهش
رضایی‌راد و کاظمی (۱۳۹۹)	بازشناسی ضرورت مدیریت اجتماع محور بحران برای کاهش آسیب‌پذیری در بحران زلزله	صرف توجه به مسائل کالبدی نمی‌تواند آسیب‌پذیری‌ها در حوزه بحران را به حداقل برساند و باید نگرش‌های نوین مدیریت بحران را با لایه‌های اجتماعی خرد در دست توجه قرار و بر توانمندسازی و ظرفیت‌سازی ساکنین نیز توجه شود.
عاشوری و همکاران (۱۳۹۷)	بررسی نقش جامعه-محوری در مدیریت بحران	نتایج پژوهش نشان داد به‌رغم وجود تجربه‌هایی در زمینه بهره-گیری از اجتماعات محلی در نظام مدیریت بحران کشور اقدام‌های انجام شده بیشتر مربوط به مرحله مقابله با بحران است. پژوهش کامل مدیریت بحران اجتماع محور نیازمند افزایش نقش مردم در فعالیت‌های مربوط به سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری است.
فیروزپور و همکاران (۱۳۹۵)	الگوسازی رابطه میان رویکرد قابلیت و رویکرد اجتماع محور مدیریت بحران	نتایج پژوهش ناشی از وجود رابطه‌ای هم‌افزا و تعاملی میان دو رویکرد اجتماع محوری و قابلیت است؛ در حقیقت می‌توان گفت رویکرد اجتماع محور ابزار و پدیده‌ای مؤثر برای گسترش رویکرد قابلیت خواهد بود. متقابلاً رویکرد قابلیت می‌تواند به طراحی و مدیریت بهینه رویکرد اجتماع محور مدیریت بحران منتج شود.
مطهری و رفیعیان (۱۳۹۵)	تبیین مدلی به‌منظور ارتقاء مدیریت خطر بحران با رویکرد اجتماع محور	نتایج پژوهش نشان داد بین میزان سرمایه اجتماعی مرتبط با بحران در سطوح چهارگانه اجتماع محلی (فردی، گروهی، شبکه‌ای و سازمانی) و مؤلفه‌های مدیریت خطرپذیری بحران در سطوح مختلف رابطه معناداری وجود دارد.
پورعزت و همکاران (۱۳۹۲)	مقایسه رویکرد اجتماع-محور مدیریت بحران در کشورهای منتخب	در این پژوهش پس از برشمردن مزایای رویکرد اجتماع محور در مدیریت بحران‌های طبیعی تأکید شده‌است که در ایران عمدتاً بر بهبود وضعیت بحران زده پس از وقوع بحران توجه می‌شود. در نتیجه با مقایسه فیلیپین، ژاپن و ترکیه که کشورهای بحران‌خیزی هستند با استفاده از روش تحلیل محتوای کلان و مصاحبه با خبرگان درباره مقایسه کشورها راه‌کارهایی برای بهبود مدیریت بحران براساس رویکرد در شهر تهران ارائه کرده است.
Azad et al., (2020)	مدیریت بحران اجتماع-محور و آثار آن در کاهش ریسک مردم بنگلادش	مشارکت فعال جوامع، تقویت فعالیت‌های آمادگی در برابر بلاهای طبیعی و همچنین ظرفیت انطباقی و مقاومت مردمی از طریق به-کارگیری رویکرد مبتنی بر جامعه امکان‌پذیر خواهد بود.

ادامه جدول ۱: پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با رویکرد مدیریت بحران اجتماع محور

نام پژوهشگر	عنوان پژوهش	یافته‌های پژوهش
Islam et al., (2018)	نقش مشارکت جوامع محلی در مقابله با مخاطره‌ها	برنامه‌های مقابله با مخاطره‌ها در مناطقی از بنگلادش اثربخشی بیشتری دارد که مشارکت مردمی بیشتر است.
Hossaini et al., (2012)	بررسی چالش‌های مدیریت بحران اجتماع-محور در کاهش خطر بلاها	نداشتن توجه کافی به ماهیت کاهش یا افزایش روند خطر، تاب-آوری ناکافی جامعه، نادیده گرفتن سرمایه اجتماعی، برنامه‌ریزی آموزشی بد و نامناسب در جریان فرآیند مدیریت بحران تأثیرگذار خواهند بود.
Miles & Chang (2011)	طراحی مدل مبتنی بر مدیریت بحران اجتماع-محور در مقابل بلاهای طبیعی	محدودیت‌هایی در زمینه اتخاذ تصمیم و سیاست‌گذاری در زمینه مدیریت بحران اجتماع محور وجود دارد. یکی از محدودیت‌ها جابه‌جایی خانوارهای آسیب‌دیده است. برنامه‌ریزی و استفاده از برنامه‌های بازیابی با استفاده از مدل طراحی شده می‌تواند خسارت-های ناشی از بحران را به حداقل برساند.
Allen (2006)	آمادگی اجتماع محور در برابر بلاها و انطباق با تغییرات آب‌وهوایی (مطالعه‌ای در کشور فیلیپین)	نتایج پژوهش نشان داد رویکردهای اجتماع محور به صورت بالقوه بر توانمندسازی مشارکتی و ایجاد ساختارهایی با قابلیت انتقال تفکرها و مطالبه‌های از پایین به بالا بنا می‌شوند. به کارگیری استراتژی سازگاری مردم محلی از طریق انتشار اطلاعات فنی از سوی مدیران بحران و ارائه دانش و آموزش به شهروندان، انجام نقشه‌برداری‌های محلی و ارزیابی آسیب‌پذیری منطقه، افزایش آگاهی از خطر و امکان آسیب‌پذیری (افرادی که تصور می‌کنند زندگی‌شان در معرض آسیب قرار دارد در فرآیند آمادگی همکاری بیشتری خواهند داشت) دسترسی به دانش و منابع محلی، بسیج منابع محلی در برابر بلاها موجب ایجاد انگیزه و آمادگی طولانی-مدت جامعه می‌شود.

در نهایت بررسی مطالعه‌های موجود نشان می‌دهد با وجود اینکه در سال‌های اخیر، توجه به رویکرد اجتماع محور افزایش داشته است، اما مطالعه‌های اندکی درباره ارائه الگوی جامع و یکپارچه از مدیریت بحران اجتماع محور ارائه شده است. از این رو پژوهش حاضر برای پوشش خلاء موجود در مطالعه‌های گذشته با بهره‌گیری از رویکرد فراترکیب، مدل جامع مدیریت بحران اجتماع محوری را ارائه می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به اینکه پژوهش حاضر به‌منظور سامان‌دهی و بهره‌برداری از دانش موجود و شناخت خالهای پژوهشی در مطالعه‌های گذشته از طریق تحلیل نظام‌مند متون انجام شده‌است آن را می‌توان از نوع ثانویه دانست که در آن از منابع ثانویه داده‌ها نظیر کتاب‌ها، مقاله‌ها و مستندها استفاده شد. درواقع پژوهش حاضر از نظر هدف بنیادین و از لحاظ ماهیت داده‌ها و سبک تحلیل جزء پژوهش‌های کیفی به‌شمار می‌رود که در آن داده‌های پژوهش با استفاده از روش فراترکیب^۱ جمع‌آوری و تحلیل می‌شود. فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که اطلاعات و یافته‌های استخراج شده از مطالعه‌های کیفی دیگر را با موضوع مرتبط و مشابه بررسی می‌کند و با فراهم کردن نگرشی نظام‌مند برای پژوهشگران از طریق تلفیق پژوهش‌های کیفی مختلف موضوع‌ها و استعاره‌های نوین را کشف می‌کند، دانش جاری را ارتقاء می‌دهد و نگرشی جامع نسبت به مسائل ایجاد می‌کند (دقتی و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۹-۱۲۰). لازم به ذکر است رایج‌ترین الگوهای استفاده شده برای روش فراترکیب الگوی سه مرحله‌ای نوبلت و هیر^۲ (۱۹۸۸)، الگوی شش مرحله‌ای والش و داون^۳ (۲۰۰۵) و الگوی هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو^۴ (۲۰۰۷) هستند که در پژوهش حاضر از روش هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو (۲۰۰۷) استفاده شد که مراحل آن در شکل شماره ۱ نمایش داده می‌شود.



شکل ۱: گام‌های روش فراترکیب (سندلوسکی و باروسو، ۲۰۰۷).

در پژوهش حاضر برای گردآوری داده‌ها از روش فراترکیب استفاده شد. هدف از به‌کارگیری این روش تعیین اسناد معتبر، موثق و مرتبط در بازه زمانی مدنظر است. همچنین جامعه آماری پژوهش عبارت است از کلیه مطالعه‌ها و پژوهش‌هایی که در داخل و در سطح بین‌المللی در بازه زمانی سال‌های ۲۰۰۰ الی ۲۰۲۰، در حوزه مدیریت بحران به‌صورت کلی و خاص در حوزه اجتماع‌محوری انجام شده است. از این‌رو به‌منظور گردآوری اطلاعات از روش مطالعه کتابخانه‌ای

1. Meta Synthesis
2. Noblet & Hare
3. Walsh & Downe
4. Sandelowski & Barroso

و ابزار جستجوی اینترنتی در پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی^۱ استفاده شد. برای جستجوی مقاله‌ها، واژگان کلیدی متنوعی از جمله مدیریت بحران، رویکردهای بحران، مدیریت بحران اجتماع محور، مدل‌های مدیریت بحران و ... بررسی شدند که در نتیجه جستجو و بررسی پایگاه‌های اطلاعاتی مختلف با استفاده از واژگان کلیدی مرتبط با موضوع پژوهش در نهایت ۵۳۰ مقاله پیدا شد. با توجه به اینکه برای سنجش کیفیت مطالعه‌های اولیه پژوهش کیفی معمولاً از برنامه مهارت‌های ارزیابی انتقادی^۲ استفاده می‌شود بنابراین، غربالگری داده‌ها را براساس پارامترهای عنوان، چکیده، محتوا و روش پژوهش بررسی کردیم. در نهایت ۱۰۶ مقاله به‌منظور مطالعه فراترکیب نهایی انتخاب شدند. با توجه به اینکه داده‌های این پژوهش برگرفته از مطالعه‌های پیشین است از روش کدگذاری دستی برای تحلیل داده‌ها استفاده شد و هر مقاله به‌صورت مجزا کدگذاری شد؛ سپس شاخص‌ها در قالب مؤلفه‌ها و مؤلفه‌ها در قالب ابعاد دسته‌بندی شدند (جدول شماره ۲).

گام بعد در روش فراترکیب، تحلیل و تلفیق یافته‌های کیفی است. در این مرحله ابتدا برای تمامی عوامل استخراج شده کدی در نظر گرفته شد، سپس با در نظر گرفتن مفهوم هریک از این کدها، هر کدام در یک دسته مفهومی قرار گرفتند و به این ترتیب مفاهیم پژوهش مشخص شد بنابراین، مقوله‌های فرعی براساس شهود و درک پژوهشگر از موضوع در دست بررسی مقوله‌بندی شدند. این فرآیند تا زمانی ادامه پیدا کرد که تمام کدها به مقوله‌های مرتبط تخصیص داده شدند. به‌عنوان نمونه شش موضوع آموزش عمومی، ادغام دانش بومی و علمی، رسانه جمعی، ارتقای آگاهی‌های عمومی، شبیه‌سازی بحران‌ها و برگزاری کارگاه‌های آموزشی؛ که در مطالعه‌های پیشین به کرات درباره آن‌ها بحث شده است به‌عنوان شش کد انتخاب شدند و با توجه به اینکه این عوامل به‌عنوان عوامل مؤثر در زمینه آموزش و آگاهی مردمی به حساب می‌آیند جزء دسته مفهومی آموزش و آگاهی قرار گرفتند. به همین صورت سایر مفاهیم نیز مقوله‌بندی شدند. همچنین برای سنجش اعتبار و میزان هماهنگی کدهای به‌دست آمده از معیار کاپای کوهن استفاده شد. لازم به ذکر است این شاخص برای ارزیابی متغیرهایی استفاده می‌شود که سطح سنجش آن‌ها یکسان و تعداد دسته‌هایشان نیز با هم برابر باشند (عابدی جعفری و امیری، ۱۳۹۸). با کمک نرم‌افزار SPSS عدد معناداری ۰/۰۰۰ و مقدار شاخص ۰/۷۱۴ محاسبه شد. با توجه به کمتر بودن عدد معناداری حاصل از ۰/۰۵ فرض استقلال کدهای حاصل رد می‌شود.

۱. پایگاه اطلاعاتی داخلی (SID, MAGIRAN, NOORMAGS, ...) و پایگاه اطلاعاتی خارجی (emerald, scince)

(Direct, Scopus, Springer, Elsevier) و همچنین موتور جستجوی (Google Scholar).

2. CASP

بنابراین، می‌توان گفت که کدهای حاصل شده پایایی مناسبی داشته‌اند. در پژوهش حاضر از روش تحلیل محتوا استفاده شد و یکی از روش‌هایی که در مباحث تحلیل محتوا استفاده می‌شود روش آنتروپی شانون است که پردازش داده‌ها را بسیار قوی انجام می‌دهد از این‌رو به‌منظور تحلیل داده‌ها در این پژوهش از روش آنتروپی شانون استفاده شد که با استفاده از این روش می‌توان مقدار حمایت پژوهش‌های گذشته از نتایج پژوهش حاضر را به‌صورت آماری نشان داد. برای این منظور کدهای به‌دست آمده برحسب مقوله‌ها با توجه به هر مقاله در قالب فراوانی شمارش شدند. برای محاسبه عدم‌اطمینان و ضریب اهمیت نیز به ترتیب از روابط زیر استفاده شد.

$$E_j = -k \sum_{i=1}^m [p_{ij} \ln p_{ij}], (j=1,2,\dots,n) \quad k = \frac{1}{\ln m}$$

$$W_j = \frac{E_j}{\sum_{j=1}^n E_j}$$

یافته‌های پژوهش

در این مرحله با استفاده از کدهای استخراج شده در مراحل قبلی، ارائه یافته‌ها در قالب مفاهیم را بررسی کردیم و کدهای تکراری حذف و بقیه کدها در زیر یک مفهوم مشابه دسته‌بندی شدند و سپس مفاهیم نیز در مقوله‌های کلی‌تر قرار گرفتند. به‌طور کلی ۵۴ کد از منابع در دست مطالعه استخراج شد که این کدها در ۱۱ مفهوم و ۳ مقوله اصلی قرار گرفتند که اطلاعات آن‌ها در جدول شماره ۲^۱ آمده است. همچنین نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها با روش آنتروپی شانون به‌منظور تعیین اهمیت کدها در مطالعه‌های پیشین در جدول شماره ۳ ارائه^۲ شد.

۱. با توجه به حجم زیاد منابع نمونه‌ای از منابع ارائه شده است.

۲. به‌دلیل حجم زیاد اطلاعات جدول‌کدهایی در جدول ارائه شده است که رتبه‌های اول تا سوم را در مفاهیم به‌دست آورده‌اند.

جدول ۲: زمینه‌های شناسایی شده با استفاده از رویکرد فراترکیب (یافته‌های پژوهش)

مؤلفه	شاخص	منبع
آموزش و آگاهی	آموزش عمومی	(Brassard et al., 2015)، (Hossaini et al, 2017)، (قلی‌گله، ۱۳۹۷)، (Kangabam et al., 2012)، (Moe et al, 2006)، & (Humanson.Nordeman)
	ادغام دانش بومی و علمی	(Arnold et al., 2018)، (Allen, 2006)، (Kalanda-Joshua، Lizarralde et al, 2020)، (et al, 2011)
	ارتقای آگاهی‌های مردمی	(Roy et al, 2016)، (قلی‌گله، ۱۳۹۷)، (Kumari & Sabitha، 2015)، (Marskole et al, 2018)، (Humanson & Nordeman, 2017)
	شبیه سازی بحران ها	(Brassard et al., 2015)، (Sharma, 2010)، (Fahrudin، 2012)
	برگزاری کارگاه های آموزشی	(Brassard et al., 2015)، (ظفری و ویسی، ۱۳۹۰)
	رسانه جمعی	(Klaft et al., 2018)، (مهديه، ۱۳۹۹)، (Yeo et al, 2017)
	اعتماد اجتماعی	(Bhandari, 2014)، (Hossaini et al, 2017)، (عنايستاني و همکاران، ۱۳۹۰)، (محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۹)
سرمایه اجتماعی و فرهنگی	انسجام اجتماعی	(Bhandari, 2014)، (Hossaini et al, 2017)
	شبکه اجتماعی	(Bhandari, 2014)، (Hossaini et al, 2017)
	همبازی	(Mathbor, 2007)
	تعهد	(Berno, 2017)، (عنايستاني و همکاران، ۱۳۹۰)
مشارکت نظری	تساهل و تسامح	(Berno, 2017)، (عنايستاني و همکاران، ۱۳۹۰)
	همدلی اجتماعی	(Berno, 2017)، (Jahangiri et al., 2011)، (عنايستاني و همکاران، ۱۳۹۰)
	اعتقادات نسبت به مشارکت	(Parsizadeh et al., 2015)، (Tulghan & Gzgur, 2016)
	واحد همسایگی	(عموزاد خلیلی و همکاران، ۱۳۹۷)
	اهمیت نقش مردم	(آروین و همکاران، ۱۳۹۶)، (حیدری و ابراهیمی‌نژاد، ۱۳۹۳)، (عزیزپور و همکاران، ۱۳۹۴)
	مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی	(آروین و همکاران، ۱۳۹۶)، (Parsizadeh et al., 2015)
	تعلیم و تربیت مشارکت جویانه	(ازکیا، ۱۳۸۰)، (توکی و همکاران، ۱۳۹۲)

ادامه جدول ۲: زمینه‌های شناسایی شده با استفاده از رویکرد فراترکیب (یافته‌های پژوهش)

مولفه	شاخص	منبع
سرمایه معنوی	امیدواری	(Berno, 2017).
	سازگاری	(Aijazi & Panjwani, 2015)، (ظفری و ویسی، ۱۳۹۰)، (عموزادخلیلی و همکاران، ۱۳۹۷).
	احساس دگرخواهی	(Ai et al., 2013)، (Gianisa & Le De, 2018).
	تاثیرگذاری	(ساعی و همکاران، ۱۳۹۳)، (Lee et al., 2018).
	خودآگاهی	(Armitage, 2005).
مشارکت عملی	بسیج منابع محلی	(Allen, 2006)، (Patterson et al., 2010)، (Johansson et al., 2018)، (حیدری و ابراهیمی نژاد، ۱۳۹۳)، (درودی و سپهری فر، ۱۳۹۸)، (عضدی و میرزایی، ۱۳۹۳)، (نوراللهی، ۱۳۹۲).
	همکاری با ستاد بحران	(Tulghan & Gzgor, 2016)، (Patterson et al., 2010)، (Hossaini, 2012)، (حیدری و ابراهیمی نژاد، ۱۳۹۳)، (Sarkar, 2013).
	همکاری با متولیان نجات	(Hossaini, 2012)، (Sarkar, 2013).
	مشارکت سازمان‌های مردم نهاد	(درودی و سپهری فر، ۱۳۹۸)، (Sarkar, 2013)، (نوراللهی، ۱۳۹۲).
	مشارکت اثربخش مردم	(Hossaini, 2012)، (حیدری و ابراهیمی نژاد، ۱۳۹۳)، (عاشوری و همکاران، ۱۳۹۷).
	مشارکت افراد و بستگانشان	(عزیزپور و همکاران، ۱۳۹۴)، (Magis, 2010).
	ارتباطات	خبررسانی
دروازه‌بانی اطلاعات		(حسینی و پیشنمازی، ۱۳۸۹).
همبستگی		(حسینی و پیشنمازی، ۱۳۸۹).
صداقت و شفافیت		(Allen, 2006)، (Humanson & Nordeman, 2017)، (Yeo et al, 2017).
انعکاس نیازهای واقعی مردم		(Humanson & Nordeman, 2017).

ادامه جدول ۲: زمینه‌های شناسایی شده با استفاده از رویکرد فراترکیب (یافته‌های پژوهش)

مؤلفه	شاخص	منبع
مدیریت احساسات مردم	همدلی و همدردی با مردم	(Humanson & Nordeman, 2017)، (Yeo et al, 2017).
	امیدواری و خوش بینی	(Al-saggaf & Simmns, 2015)، (Ai et al., 2013)، (Yeo et al, 2017)
	آرامش و خونسردی	(Al-saggaf & Simmns, 2015)، (Ai et al., 2013).
	احساس خودیاری	(توکلی و همکاران، ۱۳۹۵).
خاطرات جمعی	کالبد	(اصلائی و همکاران، ۱۳۹۹).
	فعالیت	(اصلائی و همکاران، ۱۳۹۹).
	تصورات	(اصلائی و همکاران، ۱۳۹۹).
	همبستگی اجتماعی	(آروین و همکاران، ۱۳۹۶).
مشارکت اجتماعی	ترغیب مردم به مشارکت در جامعه	(Ai et al., 2013).
	استفاده از مردم در فرایند بازسازی	(Ai et al., 2013).
	تقویت همدلی، همکاری صمیمیت	(Ai et al., 2013).
	پیگیری	(Kaewkitipong et al., 2016).
رسانه جمعی	امیدبخشی	(Kaewkitipong et al., 2016).
	یادگیری	(Kaewkitipong et al., 2016).
	کمک به سازگاری	(Azad et al., 2019)، (Al-saggaf & Simmns, 2015).
	عادات، رسوم، ارزش‌های اجتماعی	(Lauder & Perry, 2014).
هویت‌بخشی	حفظ هویت فرهنگی شهر	(اصلائی و همکاران، ۱۳۹۹)، (بذرافشان و همکاران، ۱۳۹۷).
	نهادهای خودجوش مردمی	(اصلائی و همکاران، ۱۳۹۹).
	بازسازی با اصول و فرهنگی منطقه	(اصلائی و همکاران، ۱۳۹۹).
	مشابه‌سازی	(اصلائی و همکاران، ۱۳۹۹).

جدول ۳: رتبه‌بندی کدها از روش آنترپی شانون (یافته‌های پژوهش)

رتبه در کل	رتبه در مفاهیم	ضریب اهمیت W_j	عدم اطمینان E_j	فراوانی	کد	مفاهیم
۳	۱	۰.۰۳۲۷	۰.۷۲۱۵	۲۷	آموزش عمومی	آموزش و آگاهی
۵	۲	۰.۰۲۹۷	۰.۶۶۲۳	۲۰	رسانه جمعی	
۸	۳	۰.۰۲۷۵	۰.۶۱۲۹	۱۶	آگاهی مردمی	
۹	۱	۰.۰۲۶۸	۰.۵۹۸۷	۱۵	تعهد	سرمایه اجتماعی فرهنگی
۱۰	۲	۰.۰۲۶۲	۰.۵۸۳۴	۱۴	شبکه اجتماعی	
۱۴	۳	۰.۰۲۲۱	۰.۵۲۰۴	۱۰	انسجام	
۱	۱	۰.۰۳۵۰	۰.۷۷۹۶	۳۴	نقش مردم	مشارکت نظری
۱۱	۲	۰.۰۲۲۴	۰.۵۶۷۰	۱۳	واحد همسایگی	
۱۲	۳	۰.۰۲۱۷	۰.۵۴۰۱	۱۲	اعتقادات نسبت به مشارکت	
۱۲	۱	۰.۰۲۱۷	۰.۵۴۰۱	۱۲	سازگاری	سرمایه معنوی
۱۴	۲	۰.۰۲۲۱	۰.۵۲۰۴	۱۰	تأثیرگذاری	
۱۷	۳	۰.۰۱۹۲	۰.۴۳۰۲	۷	خودآگاهی	
۲	۱	۰.۰۴۰۱	۰.۷۸۲۵	۳۰	سازمان های مردم‌نهاد	مشارکت عملی
۱۰	۲	۰.۰۲۶۲	۰.۵۸۳۴	۱۴	مشارکت اثربخش	
۱۱	۳	۰.۰۲۵۴	۰.۵۶۷۰	۱۳	مشارکت بستگان	
۶	۱	۰.۰۲۸۷	۰.۶۳۹۰	۱۸	انعکاس نیازهای مردمی	ارتباطات
۷	۲	۰.۰۲۷۷	۰.۶۲۹۰	۱۷	دروازه‌بانی اطلاعات	
۹	۳	۰.۰۲۶۸	۰.۵۹۸۷	۱۵	صداقت و شفافیت	
۱۱	۱	۰.۰۲۵۴	۰.۵۶۷۰	۱۳	حفظ آرامش و خونسردی	مدیریت احساسات مردم
۱۲	۲	۰.۰۲۴۷	۰.۵۴۹۴	۱۲	همدلی و همدردی مسئولین	
۱۴	۳	۰.۰۲۲۱	۰.۵۲۰۴	۱۰	امیدواری و خوش‌بینی	
۱۷	۱	۰.۰۱۹۲	۰.۴۳۰۲	۷	کالبد	خاطرات جمعی
۱۸	۲	۰.۰۱۳۷	۰.۳۰۶۴	۶	تصورات	
۱۸	۲	۰.۰۱۳۷	۰.۳۰۶۴	۶	فعالیت	
۴	۱	۰.۰۳۲۵	۰.۶۷۲۳	۲۱	همدلی، همکاری و صمیمیت	مشارکت اجتماعی
۶	۲	۰.۰۲۸۷	۰.۶۳۹۰	۱۸	استفاده از مردم بومی	
۹	۳	۰.۰۲۶۷	۰.۵۹۸۷	۱۵	ترغیب مردم به مشارکت	

ادامه جدول ۳: رتبه‌بندی کدها از روش آنتروپی شانون (یافته‌های پژوهش)

رتبه در کل	رتبه در مفاهیم	ضریب اهمیت W_j	عدم اطمینان E_j	فراوانی	کد	مفاهیم
۷	۱	۰.۰۲۷۷	۰.۶۲۹۰	۱۷	پیگیری	رسانه جمعی
۱۱	۲	۰.۰۲۵۴	۰.۵۶۷۰	۱۳	یادگیری	
۱۳	۳	۰.۰۲۳۵	۰.۵۳۰۱	۱۱	سازگاری	
۱۲	۱	۰.۰۲۴۷	۰.۵۴۹۴	۱۲	حفظ هویت فرهنگی شهر	هویت‌بخشی
۱۵	۲	۰.۰۲۱۸	۰.۴۸۵۸	۹	نهادهای خودجوش مردمی	
۱۶	۳	۰.۰۲۹۲	۰.۴۴۰۲	۸	عاداتها و ارزش‌ها	

ضرایب به‌دست آمده در جدول شماره ۳ حاکی از آن است که کدهای اهمیت نقش مردم، مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد، آموزش عمومی، همدلی، همکاری و صمیمیت، رسانه جمعی در آموزش، انعکاس نیازهای واقعی مردم از سوی رسانه جمعی حین بحران، به‌کارگیری مردم بومی در فرآیند بازسازی، نقش پیگیری رسانه‌های جمعی بعد از بحران، ارتقای آگاهی‌های مردمی، ترغیب مردم به مشارکت، صداقت و شفافیت رسانه‌ها، تعهد و شبکه اجتماعی دارای بیشترین ضریب اهمیت هستند. یعنی در حوزه مدیریت بحران اجتماع محور به این موضوع‌ها بیشتر توجه شد، در دست مطالعه قرار گرفت و تکرار پذیری بیشتری نسبت به سایر کدها داشته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

اگرچه انتظار زندگی در یک محیط بدون خطر غیر واقعی است، اما می‌توان از طریق به‌کارگیری استراتژی‌های مناسب آسیب‌پذیری جوامع را کاهش داد. با وجود اینکه کشور ما هر ساله بلاهای متعددی را تجربه می‌کند، اما همچنان رویکردهای تمرکزگرا و از بالا به پایین رویکرد غالب در نظام مدیریت بحران کشور است که از اثربخشی کافی در برابر بلاها برخوردار نیست. از این‌رو لزوم توجه به رویکردهای اجتماع‌محوری از طریق ایجاد ظرفیت‌های لازم در جوامع محلی و توانمندسازی شهروندان به‌شدت احساس می‌شود. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی جامع مدیریت بحران اجتماع‌محور با رویکرد فراترکیب انجام شد و الگوی نهایی با ۳ مقوله اصلی، ۱۱ مقوله فرعی و ۵۴ شاخص ارائه شد که بعد مدیریت قبل از بحران که تمرکز اصلی پژوهشگر بر آن بوده است و با مؤلفه‌های آموزش و آگاهی؛ سرمایه اجتماعی و فرهنگی؛ مشارکت نظری و سرمایه معنوی ارائه شد. در تبیین نتیجه حاضر لازم به ذکر است پیشگیری از

مخاطره‌های احتمالی باعث ایجاد آمادگی هرچه بیشتر کشور در زمان بروز سوانح می‌شود. اگر جامعه در چابک‌سازی مدیریت بحران موفق عمل کند مانع گسترش سوانح و تبدیل شدن آن‌ها به بحران می‌شود. از این‌رو هزینه کردن در این بخش می‌تواند هزینه‌های مرحله مقابله و بازسازی را به‌صورت چشم‌گیری کاهش دهد. آموزش و آگاهی، یکی از مؤلفه‌های مهم شناسایی شده برای بعد مذکور است. امروزه، اکثر صاحب‌نظران در حوزه مدیریت بحران به این نکته اذعان دارند که برخورداری از عنصر آگاهی و دانش مواجهه با بحران‌ها و حوادث مفروضه اصلی در موفقیت مدیریت بحران است که از آن به‌عنوان حلقهٔ گمشدهٔ فرآیند مدیریت بحران نیز یاد می‌کنند. آموزش به‌عنوان مهم‌ترین رکن در آمادگی مطرح است و تقریباً تمام سازمان‌های درگیر در فرآیند مدیریت بحران فعالیت‌های مختلف و طرح‌های متفاوتی را در حوزه آموزش و آگاهی انجام می‌دهند. بنابراین، توسعه آموزش‌های رسمی در مدارس، دانشگاه‌ها و سطوح مختلف جامعه با همکاری سازمان‌های دولتی، خصوصی و تشکل‌های مردم‌نهاد، توسعه آموزش‌های ترویجی و غیر رسمی، اطلاع‌رسانی با مشارکت نهادهای دولتی و غیر دولتی، هماهنگی و راهبری تمرین‌ها و مانورهای عمومی و تخصصی مدیریت بحران و ... می‌تواند در این امر نقش مؤثری داشته باشد.

لازم به ذکر است مؤلفه سرمایه اجتماعی و فرهنگی، یکی دیگر از مؤلفه‌های شناسایی شده برای بعد مدیریت قبل از بحران است. سرمایه اجتماعی فرهنگی کمتر از سرمایه‌های انسانی و فیزیکی قابلیت لمس و مشاهده دارد و در روابط افراد تجسم پیدا می‌کند. در واقع سرمایه اجتماعی را می‌توان یکی از ایده‌های نوین در حوزه علوم انسانی دانست که اهمیت آن به حدی است که لوپز^۱ (۲۰۱۲) آن را عامل موفقیت یا شکست جوامع می‌داند. سرمایه اجتماعی، قبل از وقوع بحران به افراد کمک می‌کند تا اطلاعات مهم را برای آمادگی و اقدام‌های پیشگیرانه جمع‌آوری کنند و با پیوند بین اعضای جامعه باعث می‌شود افراد خطر را بهتر درک کرده و از انگیزه بیشتری برای آمادگی و پیشگیری از سانحه برخوردار باشند. با ارتقای سطح اعتماد، مشارکت، همیاری و تعهد در جامعه می‌توان به تقویت این مؤلفه اقدام کرد. مؤلفه مشارکت نیز در ایجاد تمایل به همکاری در شهروندان قبل از ایجاد حادثه از اهمیت بالایی برخوردار است و از طریق افزایش روابط همسایگی ایجاد تغییرات مثبت در باورهای شهروندان در بحث مشارکت تقویت می‌شود. در نهایت مؤلفه سرمایه معنوی بیشتر با ویژگی‌های شخصی افراد مرتبط است که با تقویت مفاهیمی نظیر حس خودآگاهی، امیدواری، سازگاری و احساس دگرخواهی ارتقاء پیدا می‌کند.

1. Lopez

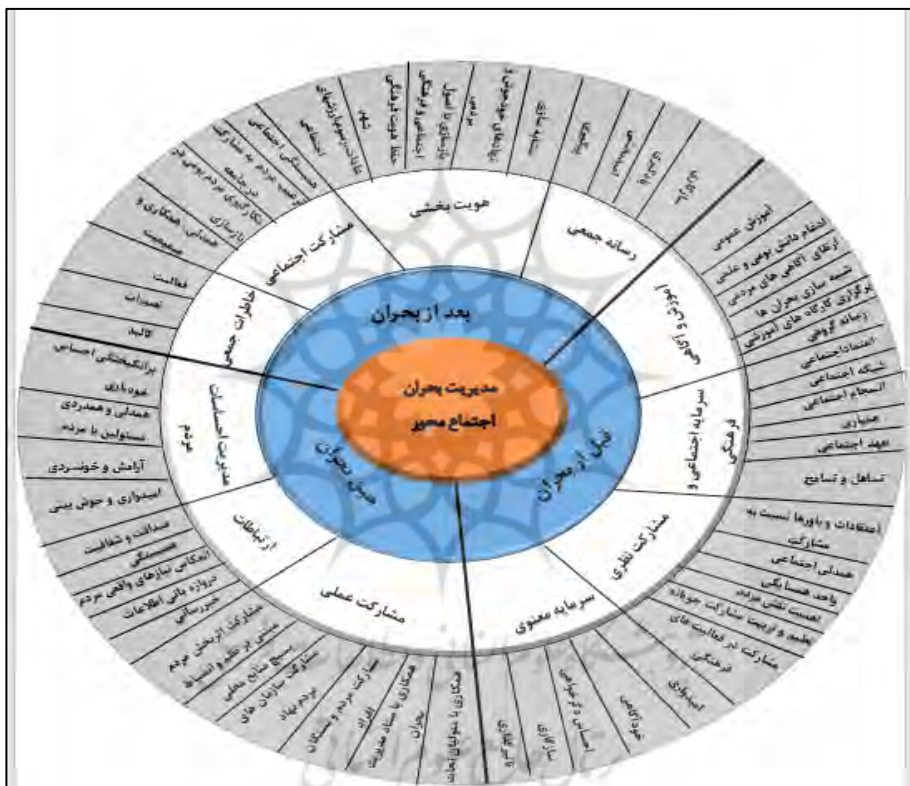
بعد حین بحران با یک رویداد آغازگر شروع می‌شود که نمایان کننده وجود بحران است و در برگیرنده اقدام‌هایی به منظور شناسایی چهارچوب بحران و همچنین مهار آن است. برای این بعد سه مؤلفه شناسایی شده است. مؤلفه مدیریت احساسات مردم که در این مرحله با توجه به آغاز بروز بحران، افراد واکنش‌های متفاوتی را از خود نشان می‌دهند و ممکن است طیف گسترده‌ای از احساسات از جمله عدم قطعیت، ترس، اضطراب و دلهره، ناامیدی و ناتوانی، انکار، منفی‌بافی و ... را تجربه کنند. از این رو با برانگیختگی احساس خودیاری در مردم، همدلی و همراهی مسئولان با شهروندان بحران‌زده و همچنین دعوت آن‌ها به حفظ آرامش، خونسردی، ترویج امیدواری و خوش‌بینی می‌توان احساسات مردم را مدیریت و از حالت بحرانی و شوک خارج کرد. مؤلفه ارتباطات در برنامه‌های مدیریت بحران، نقش حیاتی و کلیدی ایفا می‌کند و شامل برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌هایی می‌شود که به شیوه‌ای اثربخش مردم را در جریان رویدادهای واقعی قرار می‌دهد. بنابراین، می‌توان مدیریت ارتباطات بحران را جزئی از روابط عمومی دانست و پیدایی آن را به صورت مستقیم با شیوه اطلاع‌رسانی رسانه‌های خبری ارتباط دارد. کار عمده واحد ارتباطات اطلاعات در هنگام وقوع بحران آغاز می‌شود و از بروز شایعه‌ها، اخبار دروغ یا اشتباه جلوگیری می‌کند که می‌تواند منجر به افزایش تشنج و اضطراب مردم آسیب‌دیده شود. بنابراین، داشتن صداقت، شفافیت و سرعت عمل یکی از نیازهای ضروری رسانه‌ها در مدیریت بحران است. مؤلفه مشارکت عملی به معنی بسیج مردم محلی و استفاده از توانایی‌های آن‌ها در هنگام مواجهه با بحران است. درباره اهمیت این مؤلفه می‌توان گفت نیروهای داوطلب چه آن‌ها که از قبل سازماندهی شده‌اند و چه آن‌ها که به‌طور خودجوش در شرایط بحرانی وارد عمل و فعالیت می‌شوند حجم چشم‌گیری از مهارت‌ها، توانایی‌ها و منابع را با خود به میدان می‌آورند که می‌توان از آن‌ها هنگام بروز بحران استفاده کرد. البته مدیران بحران باید بدانند توانایی‌های آن‌ها در کار کردن با نیروهای داوطلب می‌تواند آثار زیادی بر زندگی و مرگ شهروندان در شرایط بحرانی داشته باشد.

بعد پس از بحران شامل بازیابی و یادگیری است. این فرآیند دو جنبه دارد؛ ابتدا وضعیت اضطراری به پایان رسیده و جامعه در شرایط عادی فعالیت می‌کند. جنبه دوم مرتبط به فرآیند گزارش‌دهی استراتژیک است. هر دو جنبه قابل تشخیص و به هم مرتبط هستند. مؤلفه خاطرات جمعی، اولین مؤلفه شناسایی شده برای بعد پس از بحران است. خاطره جمعی مجموعه‌ای از تداعی‌هایی است که به صورت روایت‌گونه در اجتماع وجود دارد و موجب احساس پیوستگی بین اعضای جامعه می‌شود. این خاطرها می‌تواند به صورت جمعی موجب انسجام اجتماعی و حس تعلق به مکان در افراد شود. این مؤلفه را می‌توان از طریق انجام اقدام‌هایی در زمینه کالبد شهر

آسیب‌دیده، تصورات و البته فعالیت‌های افراد به‌گونه‌ای تقویت کرد که یادآور خاطره‌های سابق قبل از بحران باشد. هویت‌بخشی، مؤلفه دوم شناسایی شده در ادامه مؤلفه خاطره‌های جمعی است. باید در فرآیند بازسازی به هویت مکانی توجه شود که بستر خاطره‌های شهروندان منطقه است. فرآیند بازسازی شهر باید با توجه به اقدام‌هایی نظیر مشابه‌سازی، بازسازی با توجه به اصول اجتماعی-فرهنگی و به‌گونه‌ای انجام شود که هویت شهری را حفظ کند. لازم به ذکر است مشارکت اجتماعی به‌عنوان سومین مؤلفه شناسایی شده این بعد به تقویت همدلی و همبستگی بین مردم منطقه، استفاده از مردم بومی در فرآیند بازسازی، تقویت همبستگی اجتماعی و ترغیب مردم به مشارکت اشاره دارد. بازماندگان از حوادث همواره از نظر روانی و جسمانی با چالش‌های فراوانی روبه‌رو هستند. فراهم کردن زمینه برای حضور آن‌ها در جامعه و تدوین برنامه‌هایی برای خودسازی می‌تواند در بازگرداندن آن‌ها به روال زندگی سابق و همچنین سازگاری بیشتر و کنار آمدن با شرایط موجود مؤثر باشد. در نظر گرفتن برنامه‌هایی برای مشارکت مردم در جامعه پس از بحران می‌تواند در این زمینه مؤثر واقع شود. مؤلفه رسانه‌ای جمعی، مؤلفه چهارم شناسایی شده برای بعد مدیریت پس از بحران است در واقع رسانه جمعی یکی از مواردی است که در هر سه مرحله از فرآیند بحران نقش مهمی را ایفا می‌کند. ترویج امیدواری و خوش‌بینی، یکی از کارکردهای رسانه جمعی پس از وقوع حادثه است. امید را نمی‌توان آگاهانه تجربه کرد. ولی هنگامی احساس امیدواری می‌تواند به فرد کمک کند که شخص در فشارهای غیر عادی و راه‌های پریپیچ و خم و تاریک زندگی قرار بگیرد. امیدواری است که بعد از بحران‌ها فرد را به آرامش می‌رساند و در نتیجه افسردگی مزمن در افراد امیدوار بعد از بحران کمتر دیده می‌شود و البته سازگاری بیشتری هم در برابر بلاها خواهند داشت. رسانه جمعی همچنین باید روند بازسازی مناطق آسیب‌دیده را پیگیری کرده و گزارش‌هایی را در این باره به اطلاع مردم برساند. درنهایت می‌توان گفت با توجه به اهمیت رویکرد مدیریت بحران اجتماع‌محور در کاهش آسیب‌های ناشی از بلاها می‌توان با اتخاذ سیاست‌هایی برای تقویت شاخص‌های اثرگذار، آسیب-پذیری ناشی از بلاها را از طریق ارتقای ظرفیت‌های مردمی تا حد امکان کاهش داد.

لازم به ذکر است نتایج حاصل و عوامل شناسایی شده در این پژوهش حاصل تحلیل ۱۰۶ مقاله در حوزه مدیریت بحران است از این‌رو با نگاهی به مطالعه‌های معتبر پیشین به این نتیجه می‌رسیم که مطالعه حاضر از آنجا که یک مدل یکپارچه درباره مدیریت بحران اجتماع‌محور ارائه کرده است تناقض و اختلافی با مطالعه‌های پیشین نداشته و حتی آن‌ها را نیز در بر می‌گیرد. مثلاً کلافت و همکاران^۱ (۲۰۱۸)، کاوکیته‌پنگ و همکاران (۲۰۱۶) و آلسگف و سیمونز^۱ (۲۰۱۵) به

نقش ارتباطات و رسانه‌های جمعی در تمامی مراحل بحران توجه داشته‌اند. مطالعه‌هایی نظیر لیزارآلده و همکاران^۲ (۲۰۲۰)، گایلارد^۳ و مرسر (۲۰۱۳)، مارسکوله و همکاران (۲۰۱۸) و نوردمن و هومانسون^۴ (۲۰۱۷) به نقش آموزش و آگاهی قبل از بحران توجه داشته‌اند. لازم به ذکر است با توجه به اینکه هیچ‌یک از پژوهش‌های گذشته مدل مفهومی به شکلی جامع در حوزه مدیریت بحران اجتماع محور ارائه نداده‌اند و از طرف دیگر مدیریت بحران اجتماع محور به‌عنوان یک موضوع جدید در حوزه مدیریت بحران وارد عرصه پژوهش شده است بنابراین، براساس نتایج مطالعه حاضر مدل مدیریت بحران اجتماع محور در قالب شکل شماره ۲ ارائه می‌شود.



شکل ۲: الگوی یکپارچه مدیریت بحران اجتماع محور (یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹)

1. Simoez & Allsopf
2. Lizaralde et al
3. Gailard
4. Nordman & Hummanson

همچنین براساس نتایج پژوهش و مدل ارائه شده در حوزه مدیریت بحران اجتماع محور پیشنهاد می‌شود که مجریان و مدیران این حوزه اقدام‌هایی را برای به‌کارگیری مدیریت بحران اجتماع محور براساس تجربه‌های موفق سایر جوامع و با توجه به شرایط بومی مناطق مختلف کشور مدنظر قرار داده و در این باره برنامه‌ریزی کنند. پیشنهاد می‌شود از طریق آموزش عمومی در مدارس و دانشگاه‌ها، توزیع کتابچه‌های راهنما به‌منظور ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی شهروندان، در نظر گرفتن برنامه‌های مرتبط با آماده‌سازی مردم در رسانه‌های جمعی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، بهره‌گیری از دانش و تجربه‌های مردم بومی منطقه توان شهروندان را برای مدیریت قبل از بحران تقویت کرد. به‌منظور تقویت توان اجتماع برای مدیریت حین بحران پیشنهاد می‌شود به اصل هماهنگی در مشارکت‌های مردمی، بسترسازی در زمینه به‌کارگیری مردم بومی در فرآیند امداد رسانی، همدلی و همدردی مسئولان با مردم و حضور در کنار آن‌ها، کنترل احساسات مردم در ساعات اولیه بحران به‌منظور حفظ آرامش و خونسردی توجه و برنامه‌ریزی لازم انجام شود. در نهایت حفاظت از کالبد خاطره‌انگیز منطقه آسیب‌دیده، بازسازی و بازنگری چهره شهر برای حذف خاطره‌های ناخوشایند و باززنده‌سازی خاطره‌های خوشایند، توجه به ایفای نقش هرچه بهتر رسانه‌های جمعی به‌منظور التیام رنج بازماندگان و کمک به سازگاری آن‌ها، شناساندن پیشینه جامعه، عادت‌ها، رفتارها و تلاش‌ها به‌منظور تداوم خاطره‌های جمعی، برگزاری مراسم‌ها و جشن‌های ارزشی برای ترغیب مردم به حضور در اجتماع و حفظ سرزندگی جامعه به‌منظور مدیریت پس از بحران و کاهش آسیب‌های ناشی از بلاها و حوادث پیشنهاد می‌شود. همچنین به پژوهشگران علاقه‌مند به پژوهش در زمینه مسائل مرتبط با مدیریت بحران پیشنهاد می‌شود عوامل مؤثر در حوزه مدیریت بحران اجتماع محور نظیر عوامل اجتماعی، ساختاری و فرهنگی را به‌صورت جداگانه تحلیل و بررسی کرده و الگوی مدیریت بحران اجتماع محور را با رویکردهای مذکور ارائه کنند. در نهایت لازم به ذکر است که شناسایی و تدوین الگوی مدیریت بحران اجتماع محور در این پژوهش تنها براساس مقاله‌های داخلی و خارجی در بازه زمانی ذکر شده انجام گرفته است که یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر به حساب می‌آید از این رو استفاده از دیگر روش‌های جمع‌آوری اطلاعات مانند مصاحبه با خبرگان می‌تواند نتایج جامع‌تری را در این باره فراهم آورد.

مآخذ

- احمدی، عبدالمجید، منوچهری، سوران (۱۳۹۹). سنجش وضعیت و تحلیل عوامل موثر بر مطلوبیت مدیریت بحران مخاطرات طبیعی در شهرستان قائنات. *فصلنامه برنامه ریزی فضایی (جغرافیا)*، سال ۱۰، شماره ۲، ۵۶-۲۳.
- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). بررسی رابطه اعتماد و مشارکت در مناطق روستایی شهر کاشان. *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران*، سال ۹، شماره ۱۳، ۳۱-۳.
- اصلانی، فرشته، اسدی، سعیده، شرفی، علی، کاکاوند، یاشل (۱۳۹۹). بررسی تاثیر ابعاد بازسازی محلات بر التیام پیامدهای اجتماعی روانی پس از زلزله ۱۳۸۲ ب.م. *فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران*، سال ۱۰، شماره ۲، ۶۳-۴۸.
- آروین، محمود، فرجی، امین، بذرافکن، شهرام (۱۳۹۶). بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر مدیریت ریسک زلزله با تاکید بر تاب‌آوری (مورد مطالعه: منطقه نه شهر تهران). *مجله مدیریت سرمایه اجتماعی دانشگاه تهران*، سال ۵، شماره ۱، ۲۴-۱.
- بذرافشان، جواد، طولابی‌نژاد، مهرشاد، طولابی‌نژاد، مینم (۱۳۹۷). تحلیل فضایی تفاوت‌های تاب‌آوری در نواحی شهری و روستایی در برابر مخاطرات طبیعی (مورد مطالعه: شهرستان پلدختر). *فصلنامه پژوهش‌های روستایی دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران*، سال ۹، شماره ۱، ۱۳۵-۱۱۹.
- پور عزت، علی اصغر، فیروزپور، آرمین، سعدآبادی، علی اصغر (۱۳۹۲). مطالعه و مقایسه رویکرد اجتماع‌محور مدیریت بحران در کشورهای منتخب. *فصلنامه‌ی مدیریت سازمان‌های دولتی*، سال ۱، شماره ۲، ۵۲-۳۷.
- پورموسوی، سیدموسی، دارائی، مسعود، فیروزپور، آرمین، سعدآبادی، علی اصغر (۱۳۹۲). رویکرد آینده پژوهانه به تدوین راهبرد فوق‌فعال مدیریت بحران با تاکید بر اجتماع‌محوری. *فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران*، سال ۹، شماره ۱، ۳۹-۳۱.
- توکلی، جعفر، الماسی، هادی، قوچی، پرستو (۱۳۹۰). بررسی و تحلیل راهبردهای سازگاری کشاورزان با خشکسالی در استان کرمانشاه. *فصلنامه پژوهش‌های روستایی دانشگاه تهران*، پژوهش‌های روستایی، سال ۷، شماره ۲۵، ۲۴۱-۲۱۷.
- حسینی، کامبد، پیشنمازی، فرشته (۱۳۸۹). بررسی نحوه اطلاع‌رسانی در زلزله رودبار، منجیل و ب.م. *پژوهشنامه زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله*، سال ۱۳، شماره ۲، ۱۲-۲۱.

- حیدری، کبری، ابراهیمی نژاد، مهدی (۱۳۹۳). بررسی عامل هماهنگی برای جذب مشارکت مردمی در سازمان های مدیریت بحران. دومین همایش ملی پژوهش های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری، تهران، دانشگاه جامع علمی و کاربردی، قابل دسترسی در <https://elmnet.ir/article/20453653-51131> (۱۳۹۳/۸/۹).
- درودی، هما، سپهری فر، حسن (۱۳۹۸). ارزیابی مدیریت بحران در ایران بر مبنای مدل لیتل جان (بررسی موردی سیل فروردین ۱۳۹۸ لرستان، مازندران و زلزله ۱۳۹۶ کرمانشاه). مجله دانش پیشگیری و مدیریت بحران وابسته به سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران، سال ۹، شماره ۴، ۴۰۲-۳۹۳.
- دقتی، عادل، یعقوبی، نورمحمد، کمالیان، امین رضا، دهقانی، مسعود، مرادی، ابراهیم (۱۳۹۸). الگوی استقرار و توسعه حکمرانی الکترونیک با استفاده از رویکرد فراترکیب. چشم انداز مدیریت دولتی، سال ۱۰، شماره ۴، ۸۹-۱۲۰.
- رضایی راد، هادی، کاظمی، داوود (۱۳۹۹). بازشناسی ضرورت مدیریت اجتماع محور بحران جهت کاهش آسیب پذیری در بحران زلزله. مطالعات محیطی هفت حصار، سال ۹، شماره ۳۳، ۶۳-۷۸.
- رفیعیان، مجتبی، مطهری، زینب السادات (۱۳۹۱). طراحی مدلی برای مطالعه رویکرد مدیریت ریسک اجتماع محور. دوفصلنامه علمی پژوهشی مدیریت بحران، سال ۱، شماره ۱، ۱۲-۵.
- زرین، جلیل (۱۳۹۹). ارزیابی عملکرد مدیریت بحران زلزله بوشهر (شهر شنبه). فصلنامه مدیریت بحران، سال ۱۲، شماره ۱، ۱۲۵-۹۷.
- ساعی، علی، بدری، علی، کاظمی، نسرین، تاجیک، فائزه (۱۳۹۳). تحلیل مولفه های موثر بر مشارکت زنان در چرخه ی مدیریت بحران شهر تهران. نشریه تحلیل فضایی مخاطرات محیطی دانشگاه خوارزمی، سال ۱، شماره ۳، ۲۸-۱۳.
- سواری، مسلم، اسکندری دامنه، حامد (۱۳۹۸). نقش مدیریت مشارکتی در توانمندسازی جوامع محلی در مقابله با خشکسالی در جنوب استان کرمان. مجله برنامه ریزی و آمایش فضا، سال ۲۳، شماره ۲، ۱۷۱-۱۲۳.
- صالحی نودز، اسما، یعقوبی، نورمحمد، کیخا، عالمه (۱۴۰۰). سنجش و اعتباریابی مدل مدیریت بحران اجتماع محور براساس تکنیک سوآرا (مورد شناسی: استان کرمان). فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری - منطقه ای، سال ۱۱، شماره ۴۰، ۱۸۹-۲۲۰.

ظفری، حسین، ویسی، حسین (۱۳۹۱). واکاوی عوامل موثر در جلب مشارکت مردمی به منظور کاهش ریسک سوانح طبیعی. *فصلنامه مسکن و محیط روستا پژوهشکده سوانح طبیعی*، سال ۳۰، شماره ۱۳۵، ۱۰۵-۱۲۰.

عابدی جعفری، عابد، امیری، مجتبی (۱۳۹۸). فراترکیب روشی برای سنتز مطالعات کیفی. *فصلنامه روش شناسی علوم انسانی*، سال ۲۵، شماره ۹۹، ۷۳-۸۷.

عاشوری، امیر، خیاطیان، محمد، فرزادی، محسن (۱۳۹۷). بررسی نقش جامعه محوری در مدیریت بحران. *دومین کنفرانس عمران، معماری و شهرسازی جهان اسلام*، تبریز، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، قابل دسترسی در <https://civilica.com/doc/776575> (۱۳۹۷/۱۰/۱۳).

عرفانی، علیرضا، مرادی، حجت‌الله (۱۳۹۵). بررسی عملکرد شورای هماهنگی مدیریت بحران در زلزله استان آذربایجان شرقی سال ۱۳۹۱. *فصلنامه مدیریت بحران*، سال ۲۷، شماره ۷، ۱۶۲-۱۲۹.

عزیزپور، فرهاد، حمیدی، محمدسعید، چابک، جمشید (۱۳۹۴). تحلیل مشارکت محلی در مدیریت مخاطره سیل در نواحی روستایی، مورد مطالعه: روستاهای حوزه آبخیز رودخانه بشار شهرستان بویراحمد. *تحلیل فضایی مخاطرات محیطی دانشگاه خوارزمی*، سال ۲، شماره ۴، ۹۴-۷۷.

عضدی، وحید، میرزایی، محمدحسن. (۱۳۹۳). نقش مشارکت‌های مردمی در زمان بروز زلزله بم، فصلنامه علمی دانش انتظامی کرمان، دوره هفتم، شماره ۲، صص ۴۹-۳۰.

عموزادخلیلی، سجاد، رشیدی، احمد، پیردشتی، حسین (۱۳۹۷). بررسی نقش مشارکت مردمی در بهبود عملکرد مدیریت بحران فضای شهری و عوامل موثر بر آن از منظر نظریه مشارکت اجتماعی راجرز در شهر بهشهر. *فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران*، سال ۳، شماره ۸، ۲۶۸-۲۵۵.

عنابستانی، علی اکبر، خسروبیگی، رضا، تقی‌لو، علی اکبر، اکبری، محمدحسن (۱۳۹۱). تحلیل عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر بر میزان مشارکت مردم در نواحی روستایی: مطالعه موردی روستاهای بخش مرکزی شهرستان جهرم. *فصلنامه روستا و توسعه موسسه پژوهش‌های برنامه ریزی، اقتصادکشاورزی و توسعه روستایی*، سال ۱۵، شماره ۱، ۸۵-۱۰۸.

عوض‌پور، لیلا، قربانی، مهدی، عرفان‌زاده، رضا (۱۳۹۶). تحلیل موقعیت کنشگران و سرمایه اجتماعی ذی‌نفعان در راستای مدیریت مشارکتی سیستم‌های اجتماعی اکولوژیک. *فصلنامه منابع طبیعی ایران*، سال ۷۰، شماره ۲، ۴۴۸-۴۳۵.

فیروزپور، آرمین، دارائی، مسعود، سعداآبادی، علی اصغر (۱۳۹۵). الگوسازی رابطه میان رویکرد قابلیت و رویکرد اجتماع محور مدیریت بحران. *مطالعات مدیریت شهری*، سال ۸، شماره ۲۵، ۱۰-۱.

قلی گله، نریمان (۱۳۹۷). بررسی نقش و ظرفیت سازمان های مردم نهاد در مدیریت سیلاب شهری. *ششمین کنفرانس جامع مدیریت و مهندسی سیلاب*، تهران، کارگروه تخصصی سیل، مخاطرات دریایی، آب و فاضلاب و برق وزارت نیرو، قابل دسترسی در <https://civilica.com/doc/815938> (۱۳۹۷/۱۲/۱۸).

کریمی، خدیجه، تقی لو، علی اکبر (۱۳۹۹). مدیریت بحران اجتماع محور راهی به سوی توسعه پایدار. *فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران*، سال ۱۰، شماره ۱، ۴۵-۶۱.

محمدی فر، یوسف، اعظمی، محسن، فیض آقایی، پریا (۱۳۹۹). طراحی مدل بومی مدیریت بحران سوانح گسترده طبیعی (مورد مطالعه: زلزله کرمانشاه). *فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران*، سال ۱۰، شماره ۲، ۱۷۶-۱۶۳.

مطهری، زینب السادات، رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۵). تبیین مدلی به منظور ارتقای مدیریت خطر بحران با رویکرد اجتماع محور، نمونه موردی: یکی از اجتماعات تهران. *فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان شهر*، سال ۱۷، شماره ۹، ۳۸۹-۴۰۱.

موهبتی زهان، حسین، یعقوبی، نورمحمد، محمودزاده، واشان (۱۳۹۹). طراحی الگوی مرحله ای مدیریت بحران با رویکرد ظرفیت سازی جوامع محلی با استفاده از روش فراترکیب. *مدیریت دولتی*، سال ۱۲، شماره ۲، ۱۷۵-۲۰۳.

مهدیه، امید (۱۳۹۹). بررسی تاثیر مشارکت مردمی بر عملکرد مدیریت بحران. *فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران*، سال ۱۰، شماره ۲، ۴۱-۲۸.

نوراللهی، بابک (۱۳۹۲). نقش مشارکت مردمی در مدیریت بحران (با نگاهی به رویکرد مدیریت شهری تهران در جلب مشارکت مردمی). *پنجمین کنفرانس بین المللی مدیریت جامع بحران های طبیعی*، تهران، دبیرخانه مدیریت ریسک، قابل دسترسی در <https://civilica.com/doc/252368> (۱۳۹۲/۱۲/۱۹).

نوروزی، اصغر، فرهادی، مریم (۱۳۹۶). سنجش آسیب پذیری و برنامه ریزی راهبردی مدیریت بحران (زلزله) در نواحی روستایی مطالعه موردی: شهرستان شهرکرد، دو فصلنامه علمی و پژوهشی مدیریت بحران، سال ۶، شماره ۱۱، ۴۵-۳۱.

- Ai, A. L., Richardson, R., Plummer, C., Ellison, C. G., Lemieux, C., Tice, T. N., & Huang, B. (2013). Character strengths and deep connections following Hurricanes Katrina and Rita: Spiritual and secular pathways to resistance among volunteers. *Journal for The Scientific Study of Religion*, 52(3), 537-556.
- Aijazi, O., & Panjwani, D. (2015). Religion in Spaces of Social Disruption: Re-Reading the Public Transcript of Disaster Relief in Pakistan. *International Journal of Mass Emergencies & Disasters*, 33(1), 95-110.
- Ali, M. S. S., Arsyad, M., Kamaluddin, A., Busthanul, N., & Dirpan, A. (2019). Community based disaster management: Indonesian experience. In *IOP Conference Series: Earth and Environmental Science*, 235(1), 121-135.
- Allen, K. M. (2006). Community-based disaster preparedness and climate adaptation: Local capacity building in the Philippines. *Disasters*, 30(1), 81-101.
- Al-Saggaf, Y., & Simmons, P. (2015). Social media in Saudi Arabia: Exploring its use during two natural disasters. *Technological Forecasting and Social Change*, 95(2), 3-15.
- Armitage, D. (2005). Adaptive capacity and community-based natural resource management. *Environmental Management*, 35(6), 703-715.
- Arnold, S., Brockdorff, N., Jakovljevic, I., & Zdravkovic, S. (2018). Applying cultural values to encourage disaster preparedness: Lessons from a low-hazard country. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 31(5), 37-44.
- Azad, M. A. K., Uddin, M. S., Zaman, S., & Ashraf, M. A. (2020). Community-based disaster management and its salient features: A policy approach to people-centred risk reduction in Bangladesh. *Asia-Pacific Journal of Rural Development*, 29(2), 135-160.
- Berno, T. (2017). Social enterprise, sustainability and community in post-earthquake Christchurch: Exploring the role of local food systems in building resilience. *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*, 11(1), 149-165.
- Bhandari, R. B. (2014). Social capital in disaster risk management: A case study of social capital mobilization following the 1934 Kathmandu Valley earthquake in Nepal. *Disaster Prevention and Management*, 23(4), 314-328.

- Brassard, C. Howitt, A. M. & Giles, D. W. (2015). *Confronting disaster: Recent lessons from the Asia-Pacific*. Tokyo: In Natural Disaster Management in the Asia-Pacific. Access at: <https://ash.harvard.edu/publications/natural-disaster-management-asia-pacific> (18/1/2015).
- Brassey, J., & Kruyt, M. (2020). How to demonstrate calm and optimism in a crisis. *McKinsey & Company*, 11(2), 112-131.
- Bundy, J., Pfarrer, M. D., Short, C. E., & Coombs, W. T. (2017). Crises and crisis management: Integration, interpretation, and research development. *Journal of Management*, 43(6), 1661-1692.
- Cannon, T. (2014). Vulnerability and disasters. *The Companion to Development Studies*, 51(3), 370-382.
- Cole, S., Moore, R., Aldridge, T., Lane, A., & Laeger, S. (2013). Real-time hazard impact modelling of surface water flooding: Some UK developments. *In Proceedings of the International Conference on Flood Resilience: Experiences in Asia and Europe*, 12(5), 34-77.
- Coombs, W. T., & Laufer, D. (2019). Global crisis management—current research and future directions. *Journal of International Management*, 24(3), 199-203.
- Cornia, A., Dressel, K., & Pfeil, P. (2016). Risk cultures and dominant approaches towards disasters in seven European countries. *Journal of Risk Research*, 19(3), 288-304.
- Fahrudin, A. (2012). Preparing social work students for working with disaster survivors. *Asian Social Work and Policy Review*, 6(2), 86-94.
- Falk, K. (2013). Preparing for disaster: A community-based approach. *Copenhagen: Danish Red Cross Press*, 21(8), 114-126.
- Forbes, D., O'Donnell, M., & Bryant, R. A. (2017). Psychosocial recovery following community disasters. *An International Collaboration*, 14(6), 205-218.
- Foster, K. A. (2007). A case study approach to understanding regional resilience. *Disasters*, 31(4), 125-139.
- France, A. (2012). Disaster risk reduction and response. *Habitat For Humanity*, 1(190), 2-15.
- Gaillard, J. C., & Mercer, J. (2013). From knowledge to action: Bridging gaps in disaster risk reduction. *Progress in Human Geography*, 37(1), 93-114.
- Gianisa, A., & Le De, L. (2018). The role of religious beliefs and practices in disaster. *Disaster Prevention and Management*, 35(4), 112-124.

- Gibson, C. B., & Gibbs, J. L. (2006). Unpacking the concept of virtuality: The effects of geographic dispersion, electronic dependence, dynamic structure, and national diversity on team innovation. *Administrative Science Quarterly*, 51(3), 451-495.
- Girard, J. F., Lalande, F., Salmi, L. R., Le-Bouler, S., & Delannoy, L. (2006). *Rapport de la mission devaluation et dexpertise de laveille sanitaire en France*. France: Sante Publique.
- Guha-Sapir, D., Hargitt, D., & Hoyois, P. (2004). *Thirty years of natural disasters 1974-2003: The numbers*. de Louvain: Presses Univercity..
- Gupta, U., & Ranganathan, N. (2007). Multievent crisis management using noncooperative multistep games. *IEEE Transactions on Computers*, 56(5), 577-589.
- Hetu, S. N., Gupta, S., Vu, V. A., & Tan, G. (2018). A simulation framework for crisis management: Design and use. *Simulation Modelling Practice and Theory*, 85(4), 15-32.
- Hossaini, M. A. (2012). Community participation in disaster management: Role of social work to enhance participation. *Sociology*, 21(12), 159-171.
- Hosseini, S. H., Amanat, N., Ghanbari, V., Nakhaee, M., Abbasabadi, M., Najafi, M., & Pashaei-Sabet, F. (2017). Community-based management challenges in disaster risk reduction: A content analysis in Iran. *Health in Emergencies and Disasters*, 2(2), 63-70.
- Humanson, R., & Nordeman, P. (2017). Proactive Crisis Management (PCM): Perceptions of crisis-awareness and crisis-readiness in organizations in relation to their actual strategic initiatives against industrial crises caused by human errors. *Jornal sustainable sity*, 3(4), 95-105.
- Islam, M. R., Ingham, V., Hicks, J., & Kelly, E. (2018). From coping to adaptation: Flooding and the role of local knowledge in Bangladesh. *International Journal Of Disaster Risk Reduction*, 28(4), 531-538.
- Jahangiri, K., Izadkhah, Y. O., & Tabibi, S. J. (2011). A comparative study on community-based disaster management in selected countries and designing a model for Iran. *Disaster Prevention and Management: An International Journal*, 20(1), 82-94.
- Johansson, R., Danielsson, E., Kvarnlof, L., Eriksson, K., & Karlsson, R. (2018). At the external boundary of a disaster response operation: The dynamics of volunteer inclusion. *Journal of Contingencies and Crisis Management*, 26(4), 519-529.

- Kaewkitipong, L., Chen, C. C., & Ractham, P. (2016). A community-based approach to sharing knowledge before, during, and after crisis events: A case study from Thailand. *Computers in Human Behavior*, 54(1), 653-666.
- Kalanda-Joshua, M., Ngongondo, C., Chipeta, L., & Mpembeka, F. (2011). Integrating indigenous knowledge with conventional science: Enhancing localized climate and weather forecasts in Nessa, Mulanje, Malawi. *Physics and Chemistry of the Earth*, 36 (14-15), 996-1003.
- Kangabam, R. D., Panda, P. C., & Kangabam, M. (2012). Disaster preparedness among the resident community-a case study of Rajiv Gandhi University, Itanagar, India. *International Journal of Environmental Sciences*, 2(3), 1632-1642.
- Keikha, A., Hashemzahi, M. H., Keshtegar, A. A. (2019). Investigation the Role of New Technologies in Coping with Natural Disasters. *Scientific Journal of Rescue Relief*, 11(4), 248-59.
- Klafft, M., Dudzinska-Jarmolinska, A., Harari, I., Bustos, R. G., Duarte, S. B., & Morrobel, T. (2018). A citizen science approach using information systems to provide qualitative information on historic natural. *Disasters To Risk Communicators And The General Public*, 35(8), 114-128.
- kumari, K., & Sabitha, P. (2015). Awareness of Disaster Management: An Exploration among Secondary School Students of Kerala Based on their Gender, Locale and Experience. *Guru Journal of Behavioral and Social Sciences*, 3(2), 382-388.
- Lauder, D., & Perry, C. (2014). A study identifying factors influencing decision making in dynamic emergencies like urban fire and rescue settings. *International Journal of Emergency Services*, 12(2), 114-135.
- Lee, D. W. (2020). An exploratory assessment of infrastructure resilience to disasters. *International Journal of Disaster Resilience in the Built Environment*, 11(4), 519-533.
- Lizarralde, G., Paez, H., Lopez, A., Lopez, O., Bornstein, L., Gould, K., & Munoz, L. (2020). We said, they said: The politics of conceptual frameworks in disasters and climate change in Colombia and Latin America. *Disaster Prevention and Management: An International Journal*, 58(9), 205-225.
- Lopez, E. (2012). Groundwater governance and social capital. *Geoforum*, 43(6), 1140-1151.
- Magis, K. (2010). Community resilience: An indicator of social sustainability. *Society and Natural Resources*, 23 (5), 401-416.

- Marskole, P., Mishra, A., Kumar, P., Gaur, P., Aharwar, P., Patidar, P., & Shejwar, P. (2018). A study to assess awareness on disaster management among school going children in Gwalior (MP). *International Journal of Community Medicine and Public Health International Journal Community Medicine Public Health*, 5(4), 1371-1375.
- Mathbor, G. M. (2007). Enhancement of community preparedness for natural disasters: The role of social work in building social capital for sustainable disaster relief and management. *International Social Work*, 50(3), 357-369.
- Miles, S. B., & Chang, S. E. (2011). Resil US: A community based disaster resilience model. *Cartography and Geographic Information Science*, 38(1), 36-51.
- Moe, T. L., & Pathranarakul, P. (2006). An integrated approach to natural disaster management: Public project management and its critical success factors. *Disaster Prevention and Management*, 15(3), 396-413.
- Noblit, G. W., Hare, R. D., & Hare, R. D. (1988). *Meta-ethnography: Synthesizing qualitative studies*. Los Angeles: Sage Publications.
- Parsizadeh, F., Ibrion, M., Mokhtari, M., Lein, H., & Nadim, F. (2015). Bam 2003 earthquake disaster: On the earthquake risk perception, resilience and earthquake culture cultural beliefs and cultural landscape of Qanats, gardens of Khorma trees and Argh-e Bam. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 14(1), 457-469.
- Patterson, O., Weil, F., & Patel, K. (2010). The role of community in disaster response: Conceptual models. *Population Research and Policy Review*, 29(2), 127-141.
- Perry, M. (2007). Natural disaster management planning. *International Journal of Physical Distribution & Logistics Management*, 12(4), 35-42.
- Ricciardelli, A., Manfredi, F., & Antonicelli, M. (2018). Impacts for implementing SDGs: Sustainable collaborative communities after disasters, The city of Macerata at the aftermath of the earthquake, Corporate Governance. *The International Journal of Business in Society*, 18(4), 594-623.
- Roy, S., Pal, P. K., & Pradhan, K. (2016). Awareness of rural youth towards disaster management: A gender disintegrated study. *Indian Research Journal of Extension Education*, 14(1), 78-82.
- Sandelowski, M., Voils, C. I., & Barroso, J. (2007). Comparability work and the management of difference in research synthesis studies. *Social Science & Medicine*, 64(1), 236-247.

- Sarkar, S. K., Begum, R. A., Pereira, J. J., & Jaafar, A. H. (2013). Addressing disaster risk reduction in Malaysia: Mechanisms and responds. *In 2nd International Conference on Environment, Agriculture and Food Sciences*, 2(11), 81-85.
- Sharma, S. (2010). *Climate change impact on livelihood and vulnerability: A case study of mushar community in saptari district in Nepal*. Phd Dissertation, Brac University.
- Tokakis, V., Polychroniou, P., & Boustras, G. (2019). Crisis management in public administration: The three phases model for safety incidents. *Safety science*, 113(2), 37-43.
- Traore, B. B., Kamsu-Foguem, B., Tangara, F., & Tiako, P. (2018). Software services for supporting remote crisis management. *Sustainable Cities And Society*, 39(1), 814-827.
- Tulghan., & Gzgür, H. (2016). Natural Disaster Governance: Barriers For Turkey. *European Scientific Journal*, 12(10), 112-121.
- Ulezi, N., & Jackson, A. (2010). Cultural competence in crisis intervention. *Journal of Safe*, 11(4), 110-121.
- Unisdr, U. (2009). Making disaster risk reduction gender sensitive: Policy and practical guidelines. Access at: https://www.unisdr.org/files/9922_MakingDisasterRiskReductionGenderSe.pdf.
- Unlu, A., Kapucu, N., & Sahin, B. (2010). Disaster and crisis management in Turkey: A need for a unified crisis management system. *Disaster Prevention and Management: An International Journal*, 19(2), 155-174.
- Walsh, D., & Downe, S. (2005). Meta-synthesis method for qualitative research: A literature review. *Journal of Advanced Nursing*, 50(2), 204-211.
- Yeo, J., Li, H., Shin, Y. A., & Haupt, B. (2017). Cultural approach to crisis management. *Global Encyclopedia of Public Administration, Public Policy, and Governance*, 3(28), 1-4.